

سوریه در معرض فروپاشی



مصاحبه با کریستیان ریمان
jungewelt

مصاحبه گر: رودیگر گوبل
برگردان ناهید جعفرپور

گزارشات متفاوت نشان می دهند که ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ گروه مسلح در کشور در حرکتند که منافع کاملاً متفاوت از هم را دنبال می کنند. در میان این گروه ها همچنین گروه های تبهکار و جنگجویانی که اسلحه دست می گیرند و برای این کار مزد می گیرند وجود دارد (جنگجویان مزدور). برخی دیگر می آیند سوریه تا به شهادت برسند

امید فراوان در دمشق به مذاکرات صلح در ژنو، چپ آلمان باید بر علیه تحریم اقتصادی و برای آوارگان جنگی فعالیت کند.

«...؛ ...»
...
... «...»
...»

پرسش: در تابستان امسال به ابتکار روسیه و آمریکا و سازمان ملل متحد قرار است در ژنو مذاکرات صلح در سوریه آغاز گردد. آنها از تاریخ ۲ تا ۸ ژوئن با یک هیئت بین المللی با نام " صلح در سوریه" به دمشق رفتند و در آنجا با گروه های اپوزیسیون و همچنین وزرای دولت و بشار ال اسد صحبت نمودند. حال این آمادگی برای دیالوگ تا چه اندازه است؟

پاسخ: بسیار زیاد. انتظارات خیلی بالاست. دولت کاملاً آماده است. گروه های مختلف اجتماعی امید زیادی به مذاکرات صلح در ژنو بسته اند. این روحیه که این " آخرین شانس ماست" کاملاً حکم فرماست. در حالیکه اینطور نیست. من باور ندارم که این جنگ از طریق مذاکرات در ژنو پایان خواهد پذیرفت. اما می تواند قدمی باشد در راه رسیدن به صلح. البته به این شرط که موضوع واقعاً صلح باشد و نه تغییر رژیم.

پرسش: مهمترین مسئله هنوز هم پیش شرط هائی است که اپوزیسیون

برسمیت شناخته شده از سوی غرب مطرح نموده است.

پاسخ: بخش‌های مسلح اپوزیسیون که خود را " ارتش‌رهای بخش سوریه " و یا " ائتلاف ملی انقلاب سوریه - و نیروهای اپوزیسیون " می‌خوانند تقاضای ما را برای گفتگو رد نمودند. من فکر می‌کنم که آنها در رابطه با مذاکرات ژنو هنوز فرایند تصمیم‌گیری‌شان به اتمام نرسیده است. همچنین نیروهایی که پشت آنها قرار دارند و از آنها پشتیبانی مالی می‌کنند و در باره موضع‌گیری‌های آنان تصمیم‌گیری می‌کنند، که البته تنها آمریکا و بریتانیا و فرانسه نیستند بلکه در مورد موضع نسبت به مذاکرات ژنو نقش ترکیه، قطر و عربستان سعودی مهم است.

اپوزیسیون دمکرات و مخالف بکارگیری خشونت در سوریه برعکس آنها بسیار علاقمند به ملاقات با ما بود.

پرسش: این اپوزیسیون سیاسی از چه اهمیتی برخوردار است؟

پاسخ: همه طرفین مذاکره ما یعنی نمایندگان سازمان ملل، حزب الله، گروه‌های مختلف اجتماعی، کمونیستهای قدیمی که ۳۰ سال در زندان بسر برده‌اند - همه و همه ما را تائید کردند که در حالیکه در شرایط کنونی گروه‌های فعال و دلیر دمکراتیک وجود دارند اما هیچ اپوزیسیون سیاسی که از وزنه‌ای مهم برخوردار باشد وجود ندارد. البته این خود نتیجه دولت اسد است که ده‌ها سال از شکل‌گیری جریان‌های سیاسی مستقل جلوگیری نموده است. اکنون در حدود ۱۵۰ حزب و سازمان سیاسی اعلام موجودیت کرده‌اند که البته این مسئله خود پراکندگی صحنه سیاسی در سوریه را نشان می‌دهد.

پرسش: رئیس‌جمهور اسد در یک مصاحبه با المنار تلویزیون لبنانی (این مصاحبه در روزنامه یونگه ولت ۴ و ۵ ژوئن درج شده است) خود را پیروز نشان داد. شما روحیه کلی در دمشق را چگونه دیدید؟

پاسخ: زمانی که ما وارد پایتخت شدیم و اولین ملاقات‌های خود را انجام دادیم، هنوز بر سر القصیر جنگ بود. روز دوم اما این خبر رسید که پیروز شده‌اند. بعد از این ما در چهره کسانی که با آنان صحبت داشتیم به لحاظ فیزیکی سبکی و رضایت را احساس می‌کردیم - نمایندگان دولت درست بمانند بسیاری دیگر - . القصیر البته استالین‌گراد نبود اما برای آنها جبهه‌ای مهم بود.

بتصور من دولت این اعتماد به نفس را دارد که اگر مذاکرات ژنو با شکست مواجه شود، می‌تواند از طریق عملیات نظامی به پیروزی برسد.

این مسئله مرا نگران می کند زیرا که این مسئله به نحوی باز گذاشتن دری دیگر است. براین جنگ نمی توان بطور نظامی پیروز شد. البته امکان دارد که ارتش برای مدتی دست بالا بگیرد و بتواند اوضاع را کنترل کند اما این کشور در حال حاضر در موقعیت اسفناکی فرو رفته است که فروپاشی اش نا ممکن نیست.

در حال حاضر در سوریه تمایلات و تعاریف مذهبی بصورتی قوی و پر زور شکل گرفته اند که هیچکس انتظارش را نداشت. این مسئله من را بیاد یوگسلاوی سال های ۹۰ می اندازد زمانی که به یکباره کاتولیک ها، ارتدوکس ها، مسلمانها، کروات ها و صرب ها پیدا شدند. یک چنین دینامیکی را بسختی می توان متوقف نمود و یا جلویش را گرفت و به موقعیت قبل از آن بازگشت.

پرسش: زندگی روزمره مردم چگونه پیش می رفت؟

پاسخ: در دمشق زندگی معمولی در جریان است. مردم می توانند مواد غذایی بخرند. عابرین در خیابانها در رفت و آمدند. رستوران ها بازند. اما در طی شب ها صدای تیراندازی شنیده می شود. این دو سطح زندگی یعنی صدای جنگ را بشنوی و همزمان زندگی معمولی و روزمره را ادامه دهی، عمیقا روی من تاثیر گذاشت. جاده های دمشق بطرف بیروت کاملا از سوی ارتش کنترل می شوند اما با این وجود هر صبح باید بررسی کرد که آیا این مسیر امن است یا نه.

پرسش: شما با حزب الله صحبت کردید. آنها در باره عملیات نظامی شان در کشور همسایه چه توضیحی می دهند؟

پاسخ: ما در لبنان و در بیروت با علی فیاض صحبت کردیم. او از وابستگان نزدیک رهبریت حزب الله است و همچنین نماینده مجلس. او می گفت که حزب الله در مبارزه برای گرفتن القصیر شرکت داشته اند. تا بدین وسیله از مردم روستاهای آنجا محافظت کنند". مردم این روستا ها غالبا مسیحی و اصالتا لبنانی هستند. گذشته از این حزب الله برای اسد مبارزه نمی کند بلکه و بیشتر موضوع بر سر محور مقاومت است... سوریه، ایران و حزب الله...".

پرسش: شما همچنین با رئیس جمهور اسد ملاقات داشتید. شما در باره چه صحبت کردید؟

پاسخ: ما با تمامی طرفین صحبت از جمله بشار اسد در این باره گفتگو کردیم که این اختلافات از دید ما بطرق نظامی قابل حل نخواهند بود. بلکه باید از طریق مذاکرات و دیالوگ سیاسی راه حل

پیدا نمود. ما می خواهیم بسهم خود به این روند یاری کنیم آنهم با تشکیل کنفرانس بین المللی جامعه مدنی بعنوان یک همتای مذاکرات ژنو.

پرسش: فضای گفتگو های شما با دیگران چگونه بود؟

پاسخ: ما به صحبت های یکدیگر با توجه و دقت گوش می دادیم. ملاقات ها همه در یک ساختمان خیلی ساده انجام پذیرفت. به لحاظ امنیتی کنترل زیادی برای ورود به ساختمان وجود نداشت. رئیس جمهور بدون همراه در اطاق با ما تنها گفتگو می کرد. او بدون مترجم گفتگو ها را بزبان انگلیسی با ما انجام داد.

پرسش: موضع حزب چپ در آلمان نسبت به سوریه چیست؟

پاسخ: ما همواره باید از این جایگاه به مسئله بنگریم که شرایط در سوریه بصورتی غمناک تغییر می کند. فروپاشی کشور پیش روست. سوریه همین حالا هم بنظر برخی از کسانی که طرف گفتگوی ما بودند یک " دولت شکست خورده است". برخی دیگر بر این باورند که آمریکا به هدفش در سوریه رسیده است و این کشور حداقل ۲۵ سال وقت نیاز دارد تا بتواند از مشکلات این جنگ خود را رها سازد. شما باید توجه کنید که: در حدود ۸۰ درصد کارخانه جات و اکثریت بیمارستان ها تخریب شده اند. همچنین تاسیسات ارتباط با مردم هم از بین رفته اند. ۶،۸ میلیون نفر از مردم سوریه دارو ندار خود را از دست داده و محتاج کمک هستند. این تعداد در واقع یک سوم جمعیت سوریه است. واقعا همه چیز غیر قابل تصور است. لبنان با ۴ میلیون جمعیتش در حدود ۱،۱ میلیون آواره سوریه ای را پذیرفته است. به این تعداد ۵۰۰ هزار فلسطینی و ۵۰۰ هزار مهاجر دیگر افزوده می شوند.

" اتخاذ انقلاب" در واقع موضع دو سال پیش بود که دیگر طرح نیست. بر خلاف اعتراضات دیگر شورش در سوریه با یک سرعت بیسابقه تحت کنترل و دخالت نیروهای خارجی که با هم در رقابت نیز هستند، قرار گرفت. این دیگر جنگ داخلی هم نیست وضعیتی است که من و " ولفگانگ گرچه" در کتابمان بنام سوریه، در باره آن صحبت کرده ایم. اینکه چگونه یک کشور سکولار را منهدم و جامعه را اسلامیزه می کنند. برای کاراکتر وضعیتی که اکنون در سوریه وجود دارد دیگر واژه "جنگ داخلی" کافی نیست.

پرسش: پس مشخصه کنونی اوضاع سوریه کدامست؟

شاید جنگ فراملی بیشتر با اوضاع سوریه جور در بیاید. شورش بر

علیه رژیم بعث به لحاظ سیاسی توجیه شده بود. البته بعدا آنها همه چیز را مال خود کردند اما اکنون یک جنگ فرقه ای و مذهبی فراملی که وحدت کشور را بطور جدی تهدید می کند، در جریان است. گزارشات متفاوت نشان می دهند که ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ گروه مسلح در کشور در حرکتند که منافع کاملا متفاوت از هم را دنبال می کنند. در میان این گروه ها همچنین گروه های تبهکار و جنگجویانی که اسلحه دست می گیرند و برای این کار مزد می گیرند وجود دارد (جنگجویان مزدور). برخی دیگر می آیند سوریه تا به شهادت برسند و این خود شاید دلیلی باشد برای خشونت و وحشیگری این جنگ. مطمئنا کسانی هم هستند که تنها از روستا های خود دفاع می کنند. من با آوارگانی صحبت کردم که بدون اسلحه همان کار محافظت از خود و روستایشان را انجام داده بودند.

وظیفه نیروهای چپ در اینجا این است که فجایع انسانی و ویرانی ها در سوریه را مورد توجه داشته باشند و تا آنجائی که می توانند به دولت آلمان فشار بیاورند تا تسلیحات تحویل سوریه ندهند و برای یک راه حل سیاسی بدون پیش شرط حرکت کنند.

سپس تحریمها: کشور های اتحادیه اروپا تحریم تسلیحاتی را لغو نمودند و نه تحریم های دیگر را. اما سوریه نیاز به دارو دارد و دیگر دارو در این کشور وجود ندارد. ما باید در این باره کاری کنیم. باید تا آنجا که می شود آوارگان بیشتری را در آلمان بپذیریم.

ما در دمشق با نمایندگان سازمان های متفاوت سازمان ملل صحبت کردیم. از جمله نماینده سازمان کمک به کودکان یونیسف. ما اولین کسانی بودیم که از یکسال پیش به این سوی با آنها صحبت کرده بود. ریا کاری فراوان وجود دارد. هیچگاه با کسانی که کمک می کنند و تاسیسات را راه می اندازند و کمک های غذائی را تقسیم می کنند صحبتی نشده بود آنها می گفتند که از یکسال پیش به این سوی هیچ کسی از این سازمانها از آنها در باره اوضاع سوریه پرسشی نکرده بود.

فراخوان بین المللی

“میدان تقسیم در همه جا است و در همه جا مقاومت است”

برگردان ناهید جعفرپور

در میدان تقسیم اتحادی شکل گرفت که تا همین اخیرا غیر قابل تصور بود: پرچم های سرخ چپ های ترکیه در یک ردیف و پرچم های زرد کردهای پ کا کا، پرچم های سرخ و سیاه و سفید و ارغوانی آنارشیست ها و فمنیست ها و در بخش میانی در کنار هم پرچم های جریانات سیاسی

مبارزه برای دمکراسی یک نبرد جهانی است

مبارزه برای دمکراسی از اعتراض به یک مرکز خرید آغاز گشت. زمانی که در پایان ماه مه گروهی از فعالین زیست محیطی، ضد سرمایه داری، فمنیست، ضد نژادپرستی و گروه هائی از نمایندگان کرد شروع به اشغال پارک گزی نمودند، هیچکسی نمی دانست که چه پیش خواهد آمد. چند روز بعد صدها هزار انسان در میدان تقسیم که مجاور پارک گزی قرار دارد تجمع نمودند. سپس این تظاهرات بزرگ بسرعت به شهرهای دیگر ترکیه هم کشیده شد. اکنون دیگر موضوع تنها پارک گزی نبود بلکه موضوع بر سر همه چیز بود. بدنبال این موج گسترده تظاهرات ها دولت و پلیس هم بسرعت وارد عمل شده و نشان دادند که می دانند موضوع بر سر چیست.

پیامد این اعتراض وسیع هزاران مجروح و حداقل چهار کشته بود. شب ۱۰ ژوئن و روز ۱۱ ژوئن پلیس با خشونت وحشیانه به تظاهرکنندگان حمله نمود. یک روز تمام مردم در مقابل وحشی گری های پلیس از خود دفاع می کردند. شب بعد پلیس مجدداً به مردم حمله ور شد. نخست وزیر اردوغان به وضوح دیگر از “تروریست ها” صحبت می کرد و وعده می داد که کسی از این ماجرا قسر در نخواهد رفت. مبارزه برای دمکراسی را اردوغان و باندهای یونیفورم پوشش نمی توانند خفه کنند، زیرا که این مبارزه همه جا ادامه خواهد داشت. در ترکیه، در کردستان و در هر نقطه ای از این جهان!

در تمامی جهان تصاویر یکسانند. فرانکفورت و استانبول، تونس، قاهره، آتن، نیویورک، مادرید، تهران، حلب و... هزاران نفر و ده ها هزار نفر و صدها هزار نفر دیگر حاضر نیستند در مقابل قدرت های

بزرگ و مناسباتی سر تعظیم فرود آورند که نه تنها درآمدها، مسکن، دسترسی به آموزش و بهداشت، حقوق سیاسی/ اجتماعی که ده ها سال برایش مبارزه کرده اند را از آنها گرفته اند بلکه هوا برای تنفس و چشم انداز آینده ای شرافتمندانه را هم از آنها ربوده است.

ما در آلمان بدور از مناسبات استانبول قرار داریم اما در عین حال خود ما دوهفته پیش در فرانکفورت صحنه هائی را تجربه نمودیم که شبیه هر آنچه است که در میدان تقسیم در حال رخ دادن است. ۹ ساعت پلیس آلمان ۹۰۰ نفر را در محاصره تنگ قرار داده و بمانند میدان تقسیم، یونیفورم پوش ها تظاهرکنندگان را زیر حملات باطوم های خود قرار داده و بدون ملاحظه سالمندان و کودکان اسپری و گاز های فلفل بروی مردم می پاشیدند و هدفمند ژورنالیست ها را زیر ضرب قرار می دادند و به وکلا حمله می کردند. بله در اینجا هم مبارزه برای دمکراسی از هم شکسته نشد بلکه برعکس تازه مبارزه آغاز گشته است.

در میدان تقسیم اتحادی شکل گرفت که تا همین اخیرا غیر قابل تصور بود: پرچم های سرخ چپ های ترکیه در یک ردیف و پرچم های زرد کردهای پ کا کا، پرچم های سرخ و سیاه و سفید و ارغوانی آنارشویست ها و فمنیست ها و در بخش میانی در کنار هم پرچم های جریانات سیاسی:

Besiktas Istanbul و Galatasaray, Fenerbahce

و در بخش چپ میدان تقسیم اتحادی از چپ های ترک و کرد که یک نیروهای سیاسی جدید و چپی نو را تشکیل می دهند.

همچنین در تظاهرات بلوک اوپی فرانکفورت هم اتحادی شکل گرفت که هنوز جوان و غیر معمول است: اتحاد گسترده و نوین جنبشی رهائی بخش. در میان این دو جنبش و هردو اتحاد فرانکفورت و استانبول انعکاس مقاومت مردم تونس، قاهره، آتن، نیویورک، مادرید و تهران و بسیاری کشورهای دیگر در سرتاسر جهان وجود دارد. مبارزه آنها و مبارزه ما مبارزه و نبردی جهانی است.

از این روی ما همه را فرا می خوانیم تا متحدا امروز، فردا و شنبه آینده در میدان های شهرهای آلمان گرد هم آئیم (برنامه در زیر اعلام خواهد شد) و این آکسیونها را هفته ها و ماه های آینده همچنان ادامه دهیم. زیرا که ما می دانیم دولت آلمان در مسئولیت حملات وحشیانه به تظاهرکنندگان ترکیه شریک است. از این روی هم روی سخن خواسته های ما هر دو دولت آلمان و ترکیه است: ما از خواسته های شورای اشغال کنندگان پارک گزی ترکیه پشتیبانی

می نمائیم:

- برای توقف ساختمان سازی، برای پایان دادن به خشونت های پلیس و حق بیان و عقیده - و آزادی رسانه ها، آزادی زندانیان سیاسی و مجازات سیاستمداران مسئول و پلیس ها.

- توقف تمامی صادرات تسلیحاتی صنایع تسلیحاتی آلمان و دولت آلمان به ترکیه و تمامی مناطق جنگی سراسر جهان.

- جنگ در اینجا آغاز می شود، اجازه بدهید تا ما آنرا در همین متروپل ها متوقفش کنیم!

- نه به مسلح شدن پلیس ترکیه با ابزار مدرن کنترل شورش - توقف تحویل اس اس گاز ضد شورش به پلیس ترکیه!

- بیرون رفتن رژیم مرزی - باز شدن مرزها برای همه انسانها - هیچ انسانی غیر قانونی نیست - حق اقامت برای همه!

- بر علیه ترویکا و سیاست بحران اروپائی!

- برای یک انترناسیونالیسم نوین: " آنها سرمایه داری را بدون دمکراسی می خواهند - ما دمکراسی را بدون سرمایه داری می خواهیم!"
از این روی ما تظاهرات های زیر را فرا می خوانیم:

برمن: پنجشنبه ۱۳.۶ ساعت یک تا ۵ در سیلووار برمن

هامبورگ: جمعه ۱۴.۶ ساعت ۱ تا ۶ جلوی ایستگاه قطار هامبورگ

شنبه ۱۵ ژوئن:

اشتوتگارت: محل و زمان اعلام خواهد شد

مانهایم: ساعت ۵ در واسر تورم (برج آب)

دوسلدورف: شنبه ساعت ۱ در خانه دگ ب (خانه کارگر)

برلین: اطلاعات در چادر تقسیم در محل کت بوسر تور

و بسیاری شهرهای دیگر - خود را سازماندهی کنید

در کلن روز جمعه ۲۱ ژوئن تظاهرات گسترده در نوردراین وستفالن با اتحادیه های کارگری و اتحاد برای پلاتفرم دمکراتیک و:

• Almanyada demokratik güc birliđi platformu

نیروها و نهاد های متشکل در ائتلاف برای آکسیون " میدان تقسیم در همه جاست و در همه جا مقاومت است":

ائتلاف سراسری بلوک اوپی فرانکفورت و :

Almanya demokratik güc birliği platformu * •

به مفهوم پلاتفرم ائتلاف دمکراتیک است و شامل اتحادی جدید از چپ های ترکیه، کردها، علویها و سازمانهای بیشماری از مهاجرین ترک و کرد که در پائیز ۲۰۱۲ بنیان شد. مانند:

- جامعه دانشجویان کرد
- فدراسیون اتحادیه کردهای آلمان
- ایل - چپ های مداخله گر
- سنی دفتر زنان کرد برای آزادی
- فدراسیون سازمانهای کارگری دمکراتیک (ترکی)
- کنفدراسیون کارگران ترک در اروپا ، دمکراسی نوین جوانان
- نه به توریکا راین - ماین
- و همچنین فعالان آتاک، حزب چپ، جمع دوستان آندریا ولف و شبکه همکاری های برای صلح

آدرس پشتیبانی و تماس

netzwerk@notroika.org

<https://blockupy-frankfurt.org/۲۱۶۴/taksim-ist-ueberall-und-ueberall-ist-widerstand-der-kampf-um-demokratie-ist-ein-weltweiter-kampf/>

اقتصاد ترکیه اسیر طوفان دریا



Tomasz Konicz

برگردان ناهید جعفرپور

اعتراضات تنگه بسفر منجر به این می شود که اقتصاد بنظر موفق تا کنونی این کشور از هم فروپاشد
آیا حلقه تظاهرات در میدان تقسیم استانبول بمفهوم پایان " معجزه اقتصادی" در ترکیه است؟ این کشور در حال رشد که در طول دهه گذشته یکی از افتخاراتش ۵ درصد درجه رشد تولید ناخالص داخلی اش بوده است.

اعتراضات تنگه بسفر منجر به این می شود که اقتصاد بنظر موفق تا

کنونی این کشور از هم فروپاشد
آیا حلقه تظاهرات در میدان تقسیم استانبول بمفهوم پایان " معجزه
اقتصادی" در ترکیه است؟ این کشور در حال رشد که در طول دهه گذشته
یکی از افتخاراتش ۵ درصد درجه رشد تولید ناخالص داخلی اش بوده
است، اکنون اما اعتراضات بر علیه رجب طیب اردوغان رئیس جمهور این
کشور و حزب حاکم دولتش بطور فزاینده ای وضعیت نا بسامانی اقتصادی
را نمایان می سازد.

از زمان گسترش اعتراضات در ۲۲ ماه مه مهمترین شاخص سهام ترکیه
یعنی:

İstanbul Stock Exchange National ۱۰۰ Index
ماه ژوئن بازار این سهام ۱۰،۵ درصد سقوط نموده که این خود از ماه
مارس ۲۰۰۳ تا کنون بزرگترین افت و تقریباً بیسابقه بوده است. علاوه
بر این بدهی دولت بسرعت در حال رشد است؛ اوراق قرضه ده ساله
ترکیه تنها در پنجشنبه گذشته تا ۸ درصد افزایش یافت. در روزهای
اخیر لیره ترکیه همچنان روند نزولی داشته بطوری که در مقابل دلار
هشت درصد ارزش خود را از دست داده است.

یک کارشناس اقتصاد ترکیه در مقابل فرستنده آمریکائی سی ان ان
ابراز نمود که: " این خود نشان می دهد که توانائی این نقدینگی در
بازار از بین رفته است. وال استریت ژورنال می نویسد: " یک باد
سهمگین بر فراز ترکیه در حال وزش است. بسیاری سرمایه گذاران
واهمه کرده و فعالیت های خویش را در این کشور کاهش می دهند. در
حالیکه تا کنون دقیقاً همین جریان یافتن سرمایه های خارجی به این
کشور بوده است که به بهبود وضعیت اقتصادی ترکیه یاری رسانده است.
در واقع تظاهرات ها در زمانی بسیار نامناسب آغاز شدند زیرا که
بخش اعظمی از بدهی های بانکی باید تا سال آینده پرداخت شوند".

نیویورک تایمز در این باره می نویسد: " یک چنین روند کسری بودجه
نمی تواند بطور نامحدود ادامه داشته باشد؛ تعداد کمی از
اقتصاددانان در دو سال گذشته هشدار دادند که اقتصاد ترکیه بمانند
اقتصاد ژاپن در گذشته، آمریکا، اسپانیا یا ایرلند، بر کوهی از
قروض بنا است و پایانی دردناک تجربه خواهد نمود". البته ترکیه در
اولین نگاه پایه های اقتصادی پایدار و با ثبات بنظر می رسد؛
کسری بودجه کمتر از دو درصد از تولید ناخالص داخلی است در حالیکه
بدهی های دولت در حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی است و حتی
در حد متوسط هم قرار ندارد. در اواسط ماه مه اردوغان با خوشحالی
اعلام نمود که آخرین قسط وام صندوق بین المللی پول را پرداخت

نموده اند و دیگر ترکیه به این سازمان مقروض نیست.

آژانس مالی بلومبرگ در اخبار خارجی خود اشاره می کند که: " این اعلام پیروزی سرپوشی است بر روی افزایش بدهی های خصوصی دولت ترکیه. بدهی های خصوصی خارجی ترکیه ۵۱ درصد از تولید ناخالص داخلی ترکیه را تشکیل می دهد. افزون بر اینکه میزان بدهی ترکیه به تازگی شتابی بیشتر گرفته و افزون تر گشته است.

تحلیلگر مالی این آژانس می گوید: " دولت ترکیه سزاوار تقدیر برای نظم و انضباط در بودجه اش می باشد اما واضح است که بخش خصوصی این کار را برای آنان انجام می دهد".

تیم لی اقتصاددان در مقابل نیویورک تایمز می گوید که ترکیه در حال حاضر در یک " رونق اعتباری کلاسیک" قرار دارد. در این حالت پول بطور خاص به بانک های ترکیه ریخته می شود".

روزنامه نیویورک تایمز می نویسد: " اکنون آن لحظه ای رسیده است که صدای موسیقی متوقف شده است. این وابستگی به منابع اعتباری خارجی خود را در کسری حساب جاری منعکس نموده (کسری منفی در تک تک بیلان ها، تعادل منفی در تجارت، حرکت سرمایه، خدمات و غیره) در حدود ۷ درصد از تولید ناخالص داخلی. در واقع در سرتاسر جهان این خود بالا ترین ارزش است که خاطره اسپانیا و یونان را قبل از سال ۲۰۰۸ بخاطر ها می آورد".

همین امسال باید کل بدهی های بخش خصوصی به مبلغ ۲۲۱ میلیارد دلار آمریکا که در حدود ۲۵ درصد از بازده اقتصاد ترکیه را شامل می شود بکار افتد. تنها بدهی های خارجی بانک ها از ۸ درصد تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۸ به ۱۴،۳ درصد پایان سال ۲۰۱۲ رسیده است. این حجم عظیم بدهی نشان می دهد که برداشت بیش از اندازه پول در درجه اول بخاطر وام های کوتاه مدت کم بهره است.

اعتراضات بر علیه اردوغان می تواند بقول ضرب المثل معروف آخرین قطره هائی باشد که این بشکه پر از بدهی ترکیه را سرریز سازد. علاوه بر این که اکنون بخش مهم اقتصادی ترکیه یعنی بخش گردشگری هم بشدت دچار زیان شده است. صاحبان هتل ها در استانبول در مقابل خبرنگار وال استریت ژورنال بیان کرده اند که بیش از یک چهارم رزروهای آنها لغو شده است. درآمد ارز خارجی حاصله از این بخش که معادل ۲۶ میلیارد دلار در سال گذشته بوده است، کمک می کرد تا کسری حساب جاری دولت بزرگتر نشود. کارشناس گردشگری وال استریت ژورنال

گفته است که این بسیار نگران کننده است که اعتراضات دقیقا در فصل گردشگری آغاز شدند.

بر دیوار های ترس و وحشت غلبه کنیم

✘ jungewelt
برگردان ناهید جعفرپور

مطالبه استعفای دولت از سوی مردم اعلام روشن و شعار اساسی این جنبش است. حتی اگر امروز چشم اندازی نباشد که چه زمانی یک دولت چپ جایگزین این دولت خواهد شد اما باز هم این مطالبه مردم و تقاضای کناره گیری دولت باید تقویت گردد.

✘ بیانیه ۴ ژوئن حزب کمونیست ترکیه خطاب به جنبش مقاومت در استانبول و سایر مناطق ترکیه

۱/ ترکیه روزهاست که صحنه مبارزه جنبشی واقعی از مردم این کشور است. تظاهرات هائی که از استانبول آغاز گشت و در حال حاضر در سراسر ترکیه گسترش یافته اند، کاملا مشروع و منحصر به فرد و عملی بی سابقه تاریخی است. (...). مردم دیوار های ترس و وحشت را شکسته اند و اعتماد به نفس خویش را باز یافته اند.

۲/ حزب کمونیست ترکیه از آغاز بخشی از این جنبش بوده و با تمام قوا بسیج نموده و کوشش کرده است تا ماهیت انقلابی و روحیه و آگاهی طبقاتی جنبش تقویت گردد. از این روی بیشماری آکسیون و تظاهرات را سازماندهی نموده و سعی دارد که آکسیون ها چهارچوبی منظم داشته باشند. از این روی هم دفتر مرکزی حزب ما در آنکارا مورد تهاجم انبوهی از نیروهای پلیس قرار گرفت. در حال حاضر در سرتاسر ترکیه صدها نفر از اعضای حزب زخمی یا دستگیر شده و در بازداشت پلیس بسر می برند. تلاش های ماموران که برخی از رفقای رهبری ما را بر بایند و یا بر علیه ما مردم را تحریک کنند شکست خورده و محکوم است.

۳/ تاکید بر نقش حزب ما به هیچ وجه نفی ماهیت غالب خودجوش مردمی این جنبش و نقش دیگر نیروهای سیاسی در جنبش نیست. برعکس از همان آغاز حزب ما تاکید داشت که این جنبش یک جنبه مهم دارد که تحت تاثیر هیچ کدام از نیروهای سیاسی و یا فرصت طلبی سیاسی قرار ندارد.

۴/ مطالبه استعفای دولت از سوی مردم اعلام روشن و شعار اساسی این جنبش است. حتی اگر امروز چشم اندازی نباشد که چه زمانی یک دولت چپ جایگزین این دولت خواهد شد اما باز هم این مطالبه مردم و تقاضای کناره گیری دولت باید تقویت گردد (...).

۵/ بدون شک، رهبران سیاسی دولت و قدرتمندان با تمامی ابزار تلاش خواهند نمود که اعتراضات مردم را سرکوب کنند و مجددا کنترل را بر دست بگیرند اما آنها هیچ شانس نخواهند داشت تا از این بحران خلاصی یابند. البته این هم ممکن است که آنها موقتا پیروز شوند و از پیروزی خویش مسرور. اما در چنین موردی هم این جنبش مردمی بیهوده مبارزه نکرده است (...).

۶/ برای اینکه بخش هایی از جنبش سوسیالیستی ترکیه برای اهداف مشابه و مشترک مبارزه کنند و همچنین متحدان عمل کنند، باید در اسرع وقت این جنبش را تجزیه و تحلیل نمایند. حزب کمونیست ترکیه بدون غفلت از وظایف و اقداماتی که در این مرحله روزانه اش در آکسیون ها باید انجام دهد، تلاش خواهد نمود این مسئولیت را بعهده بگیرد و در چارچوب اهداف مشترک یک زمینه مشترک به وجود آورد.

۷/ برای اینکه از تلاش های دولت برای انشعاب میان بخش های قانونی و غیر قانونی حرکت جنبش مردم جلوگیری کنیم، باید با تمام قدرت از اقدامات و آکسیون هایی که مشروعیت اجتماعی جنبش را تضعیف می کند فاصله بگیریم. متجاوزین حاکمان سیاسی هستند. مردم باید از خویش و جنبش مشروعشان در مقابل این حملات دفاع کنند و هرگز به دام تحریکات دولت نیافتند.

۸/ اکنون زمان آن نیست در حالیکه توده ها با صدای بلند خواهان استعفای دولت هستند مذاکرات محدود در باره پارک گزی تقسیم انجام پذیرد. دولت هنوز نمی خواهد این واقعیت را قبول کند که مناسبات (...) تغییر کرده اند. همه می دانند که این جنبش تنها برای چندین درخت در پارک گزی شکل نگرفته است. بلکه خشم مردم بر علیه نابرابری های اجتماعی، بر علیه ترور انطباق بازار، دخالت دولت در

شکل زندگی مردم، بر علیه آمریکائی بودن دولت، محافظه کاری و همچنین بر علیه سیاست دشمنانه بر علیه مردم سوریه، متوجه است. دولت نمی تواند مردم را فریب دهد و به آنها وعده دهد بجای سه درخت قطع شده پنج درخت جدید خواهد کاشت.

۹/ در تلاش جهت یافتن آلترناتیوی برای شاغلین، جنبش باید مصرانه روی برخی از خواسته هایش بماند. این خواسته ها در صورت کناره گیری دولت اردوغان هم هنوز اعتبار خواهند داشت.

الف/ دولت باید فوراً قطع درختان و یا بهتر بگوئیم طرح ازبین بردن پارک گزی و مرکز فرهنگی آتا تورک را متوقف سازد.

ب/ تمامی فعالانی که دستگیر شده اند فوراً آزاد گردند.

پ/ وقایع اخیر باید توسط کمیسیون کانون وکلا بررسی گردد و مقامات دولتی که در برابر مردم مقصر شناخته شده اند فوراً از شغلشان اخراج شوند.

ت/ تمامی تلاش ها برای محدود نمودن دسترسی مردم به اطلاعات باید فوراً حذف شوند.

ث/ تمامی ممنوعیت ها برای آزادی تجمع و اعتراض و تظاهرات و محدودیت های دیگر باید کنار گذاشته شوند.

ج/ مواعی که مشارکت آزادانه سیاسی مردم را محدود می سازد و تمامی مقررات ضد دمکراتیک قانون احزاب سیاسی باید فوراً لغو شوند.

چ/ تمامی تلاش ها برای تحمیل راه و روش یکسان برای همه مردم باید متوقف گردند.

۱۰/ این خواسته های فوری جایگزین حق ما و وظیفه ما برای مبارزه با سیستم سیاسی نیست. نیروهای مقاومت مردم بر علیه دولت باید تقویت شوند و تلاش ها برای ایجاد آلترناتیو های واقعی بیشتر گردد.

۱۱/ پرچم با هلال ماه و ستاره پس از کودتای فاشیستی ۱۲ سپتامبر که به سمبل ظلم و ستم علیه مزدبگیران و تجاوز شوونیستی علیه مردم کردستان تبدیل گشته بود، توسط مردم از دستان فاشیست آزاد گشت و مجدداً پرچم مردم شد.

۱۲/ از آغاز جنبش می توان تلاش ها را نظاره کرد مانند تلاش برای

تحریک مردم ترکیه بر علیه هم و نا امید ساختن آنها. اما هیچ شانس برای شوونیسم و ناسیونالیسم و راسیسم وجود ندارد.

۱۳/ ما می گوئیم، که صلح با دولت ممکن نیست. با دولتی که تمامی کارت هایش را پیش مردم بازی کرده است نمی توان پیمان صلح بست. سیاست کردی باید امیدش را که در کنار دولت جای داشته باشد کنار بگذارد و جایگاه خود را در کنار روشنفکران، مزدبگیران وطن پرست در این جنبش بیابد.

۱۴/ شهروندانی که توسط نیروهای امنیتی قدرتمندان سیاسی کشته شده اند، جان خود را برای یک مبارزه عادلانه و تاریخی داده اند. مردم ترکیه آنها را هیچگاه فراموش نخواهد کرد و عاملان این قتل ها را محاکمه خواهد نمود.

شکاف در جبهه دولت ترکیه



گزارش از ترکیه

Nick Brauns

jungewelt

برگردان ناهید جعفرپور

...اینچنین جوانانی از لیبرال ها، کمالیستها و چپ های رادیکال و همچنین جوانان از اوضاع ناراضی با هم متحد شده و این اعتراضات را سازماندهی نمودند.

دومین کشته در اعتراضات ترکیه. اختلاف بین جناح نخست وزیراردوغان و معاونش آرینس. اعتصاب در بخش عمومی

کشته شدن جوان ۲۲ ساله در اعتراضات اخیر ترکیه اوضاع این کشور را بحرانی تر نموده است. طبق گزارش رسانه های تصویری ترکیه عبدالله کومرت در سه شنبه شب بهنگام درگیری میان تظاهرکنندگان و پلیس ترکیه در شهرستان هاتای از سوی فردی ناشناس با ضرب گلوله بقتل رسید. طبق گزارش خبرگزاری کرد "فیرات" عبدالله که از اعضای

فعال جوانان حزب جمهوریخواه خلق کمالیست بود، در اثر اصابت نارنجک گازی پلیس به کله اش کشته شده است.

بعد از کشته شدن عبدالله بیش از ۵۰۰۰ نفر از مردم ترکیه در مرکز آنطاکیه به خیابان رفته و خواستار استعفای دولت ترکیه شدند. در تظاهرات روز یکشنبه آنکارا اولین تظاهرکننده از طریق حمله خودروهای افراد با لباس شخصی پلیس به جمعیت تظاهر کننده بقتل رسید. اتحادیه پزشکان ترکیه در روز سه شنبه صبح اعلام نمود که در این تظاهرات اخیر ترکیه تا کنون ۲۳۰۰ نفر زخمی شده اند که بسیاری از مجروحین در حالت وخیم قرار دارند.

در بخش بشیکتاش استانبول پلیس از گاز اشک آور برای مقابله با تظاهرکنندگان استفاده نموده و در آنکارا به مردم تیراندازی شده است. در آنتالیا شورای شهر که از اپوزیسیون است از اینکه ماشین های آبپاش پلیس را پر کند تمرد نموده است در حالیکه از استانبول گزارش آمده که سربازان ماسک های ضد گاز بین تظاهرکنندگان تقسیم نموده اند.

در روز سه شنبه گذشته بخش عمومی دولت اعتصابی دو روزه را بر علیه فاشیسم و برای یک ترکیه دمکراتیک آغاز نمود. رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه که روز دوشنبه در مراکش بسر می برد، اعلام نمود که پشت تظاهرات اخیر نه تنها " افراط گرایان" بلکه نیروهای خارجی نهفته اند. معاون او یعنی آرینس در روز سه شنبه در باره اعتراض به نابودی پارک های اصلی میدان تقسیم بعنوان اعتراضی " مشروع و وطن پرستانه" اشاره نمود اما در عین حال هشدار به وجود "گروه های غیر قانونی و حاشیه ای" داد.

عبدالله بزکورت سردبیر روزنامه " زمان امروز" می نویسد " دولت ترکیه مورد ضربه قرار گرفته است اما هنوز به پایان نیروی خود نرسیده است". وی اشاره به " بهار ترکیه" می نماید و می نویسد اینچنین جوانانی از لیبرال ها، کمالیستها و چپ های رادیکال و همچنین جوانان از اوضاع ناراضی با هم متحد شده و این اعتراضات را سازماندهی نمودند.

حزبی که دو سال پیش با ۵۰ درصد آراء مردم ترکیه انتخاب شد در هر حال می داند که جمعیت مسلمان محافظه کار کشور پشت او قرار گرفته اند. در میان جبهه دولت شکاف به وجود آمده است. مراد یتکین روزنامه نگار معروف لیبرال در روزنامه حریت دیلی نیوز می نویسد "

اردوغان چهره خود را بعنوان "قدرت مطلق" از دست داده است".

برنده درونی حزب در این شرایط کسی نیست جز عبدالله گل رئیس جمهور که بدستور وی در روز شنبه پلیس از میدان تقسیم بیرون کشیده شد. وی به هیئت وزراء تاکید نمود که "دمکراسی به رای دادن هر چهار سال یکبار خلاصه نمی شود".

جاه طلبی های اردوغان باعث اعتراضات افراد با نفوذ اسلامی و ناسیونالیست دولت از جمله جامعه فتح الله گولن شده است. هواداران و حامیان اردوغان در حزب و دولت و دستگاه قضائی و پلیس شدیداً بخش های لائیک و سکولار مخالف جامعه را تحت فشار قرار داده است. از یکسال و نیم پیش تا کنون در جبهه اسلامی سیاسی ترکیه مبارزه قدرتی در حال اجراست.

تظاهرات بزرگ ضد سرمایه داری در فرانکفورت

ناهد جعفرپور

روی پارچه های رنگی نوشته شده بود: بر علیه قدرت بانک ها و حرص برای سود بردن. و یا نه به جنگ نه به فقر نه به استثمار آری به آینده ای بهتر.

فرانکفورت ۳۱ ماه ۲۰۱۳

روز ۳۱ ماه ۲۰۱۳ ده هزار نفر از فعالان ضد سرمایه داری از سرتاسر اروپا در شهر فرانکفورت آلمان به تظاهرات پرداختند. از دو روز قبل در تمام شهر پلیس همه جا مستقر گشته بود. روز جمعه در مقابل فروشگاه های بزرگ و در مقابل بانک ها و مراکز خرید و شرکت ها نیروهای ویژه پلیس پاس می دادند تقریباً شهر پر ازدحام فرانکفورت خلوت بنظر می رسید. گویی حکومت نظامی برقرار است. بسیاری از فروشگاه ها در حالی که هنوز روز کار بود تعطیل کرده بودند. سکوت سنگینی بر فراز شهر حکمفرما بود. یکی از کارکنان بانک می گفت آنها

از ریاست خود دستور گرفته اند جمعه را با لباس معمولی سرکار حاضر شوند تا بچشم نیایند. محله ای که همیشه لبالب از توریست بود اکنون خلوت بنظر می رسید. ساعت ۶ و نیم صبح روز جمعه ۳۰۰ نفر از فعالان ضد سرمایه داری با وجود باران شدید بمدت چهار ساعت بانک مرکزی اروپا را بلوکه نموده بودند. نیروهای ویژه پلیس با سگ های پلیس و ماشین آب پاش تلاش داشتند فعالان را متواری سازند.

روز شنبه تعداد پلیس های مستقر در شهر چندین برابر گشته بود همه جا و در تمامی خیابان های مهم پاس می دادند. دوربین های بزرگ در تمامی مراکز نصب شده بود و ماشین های پلیس شاهراه ها را محاصره نموده بودند. هر چه به مرکز بانک های فرانکفورت نزدیکتر می شدی محاصره پلیس تنگ تر می شد چندین هزار نیروی ویژه تا دندان مسلح بمانند روباتر اینجا و آنجا صف کشیده بودند. هلیکوپتر های پلیس روی آسمان شهر می چرخیدند. و ماشین های آب پاش اطراف میدان ویلی برانت مستقر بودند. شهر در وضعیتی ویژه قرار داشت. ایستگاه قطار که قرار بود از آنجا ساعت دوازده ظهر تظاهرات آغاز گردد و در میدام ویلی برانت ختم گردد، راه ها توسط پلیس بسته شده بود. راه های مترو بسته و پلیس همه عابری را کنترل می کرد. خبرنگاران برای عبور از صف پلیس ها با مشکل روبرو بودند. پلیس ها کاملاً عصبی بودند. پلیس تظاهر کنندگان را که از کشورهای مختلف اروپا مانند اسپانیا، ایتالیا، یونان، فرانسه، پرتقال و دیگر کشورهای اروپا بودند کاملاً محاصره نموده و اگر اعتراضی شنیده می شد آنها با اسپریه فلفل بسوی معترضین حمله می نمودند. به گفته آئی دی سلمن یکی از سازماندهان تظاهرات، پنجشنبه شب پلیس در اتوبان اتوبوس های تظاهرکنندگان که از برلین عازم فرانکفورت بودند را بمدت ۶ ساعت متوقف نموده و سپس آنها را مجبور به بازگشت نموده بود.

شنبه بین ساعت ۱۰ تا ۱۲ ظهر ده ها هزار نفر تظاهر کننده جمع شده بودند. پیر، جوان، کودک، زن و مرد با پرچم ها و لباس های رنگی پر از فانتری شکوه عظیمی را نشان می دادند. مردمی از سر تا سر اروپا از راه نزدیک و دور در کنار هم قرار گرفته بودند. روی پارچه های رنگی نوشته شده بود: بر علیه قدرت بانک ها و حرص برای سود بردن. و یا نه به جنگ نه به فقر نه به استثمار آری به آینده ای بهتر. پرچم های اتحادیه کارگری آلمان وردی و اتحادیه فلز کاران آلمان و همچنین آتاک و حزب چپ بر فراز سر های تظاهر کنندگان در میان باد رقصان بود.

رسانه های خبری و تصویری جهان و اروپا در صحنه در باره این آکسیون بزرگ گزارش می دادند. این تظاهرات عظیم بر علیه سیستم سرمایه داری و بر علیه قدرت تبهکارانه بانک ها و کنسرن ها و... برگزار می گردید. بله در این روز هزاران نفر از سرتا سر آلمان و اروپا تصمیم داشتند در میدان باسلر شهر فرانکفورت جمع شوند تا متحداً نارضایتی خویش را در باره استثمار سیستم سرمایه داری، تقسیم نابرابر از پائین به بالا و بی عدالتی و فقر و بیکاری و بحران و ... به نمایش بگذارند.

ساعت ۱۲ ظهر صف عظیم تظاهرکنندگان براه افتاد. اما ۲۰ دقیقه بعد ۳۰۰ متر آنطرف تر از نقطه شروع صف تظاهرکنندگان متوقف گشت. چه اتفاقی افتاده بود؟ هزاران نیروی مسلح ویژه پلیس با خشونت به صف تظاهرات حمله نموده و صف را از هم جدا نمودند. تظاهرات بلوکه شده بود و طبق گزارش سازماندهان سرتا سر تظاهرات در چندین بخش از هم توسط پلیس جدا شده بود و هیچ حرکتی وجود نداشت. پلیس مانند دیوار تظاهرکنندگان را از هم جدا کرده بودند. چشم در چشم. سینه به سینه. چپ و راست دیوار پلیس های مسلح به باتوم الکتریکی و اسپریه فلفل و سگ های وحشی و تسلیحات کمری. در واقع در شکل نوعی کودتا وزارت کشور به رهبری نیروهای پلیس بصورت خشونت بار قانون اساسی آلمان و احکام دادگاه عالی را یعنی آزادی تجمع و تظاهرات در آلمان را زیر چکمه های پلیس له نمودند. ده ها هزار تظاهرکننده بطوری در محاصره پلیس قرار داشتند که هر گونه اتفاق کوچکی می توانست به فاجعه ای بزرگ تبدیل شود. دو ساعت تمام نیروهای ویژه پلیس چشم در چشم تظاهرکنندگان قرار گرفتند. چشم های خشمگین و نگاه های آتشین پلیس هر لحظه فضا را منتظر فاجعه ای قرار می داد اما خوشبختانه تظاهرکنندگان صبر و تحمل نشان داده و تظاهرات را روحیه ای مسالمت آمیز می بخشیدند. در برابر فعالان چپ روبروهای جنگی بصورت میخ کوب قرار گرفته بودند و نفس ها در سینه ها حبس بود. در تمانی ساختمان های بلند از هر روزنه ای پلیسی با تسلیحات قرار گرفته بود و هلیکوپتر ها روی هوا در حال چرخیدن بودند. آدم خود بخود به یاد فیلم های کامپیوتری و جنگ رباتر ها می افتاد. از سرتا سر آلمان هزاران نیروی ویژه پلیس به فرانکفورت فرستاده شده بودند. میانگین سنی پلیس ها بین ۲۰ تا ۴۰ سال بود. هیبتی وحشتناک داشتند. بسیاری از تظاهرکنندگان که بخود اجازه می دادند به شعار های خود پردازند دستگیر شدند. پلیس خواهان این بود که تظاهرکنندگان را بنحوی تحریک کند که از تظاهرات آرام به مبارزه خیابانی کشیده شوند تا بتواند فعالین را سرکوب نمایند اما

تظاهرکنندگان به این حقه پلیس آگاه بودند و آرامش خود را حفظ می نمودند. در گوشه ای دیگر نزدیک ۴۰۰ تظاهرکننده که نزدیک میدان محل گردهمایی آخر جمع شده بودند و توسط پلیس از بقیه جدا شده بودند هنرمندان در حال هنرنمایی بودند و مرتباً خطاب به پلیس های جوان می گفتند ما از شمائیم و شما از مائید. صف خویش را ترک کنید و بما بپیوندید ما برای حقوق شما هم فعالیت می کنیم. شما از مردمید پس در مقابل مردم قرار نگیرید. گروهی هنرمند از شهر کلن در شکل موزیک پاپ با همصدائی سائرین خواسته های خود را در غالب آواز های شاد مطرح می نمودند.

به ناگهان سکوت تظاهرات شکسته شد و وضعیت مسالمت آمیز تظاهرات به هم خورد و ماشین های آب پاش پلیس به تظاهرکنندگان حمله ور شد. پلیس به پیر و جوان و کودک بی دفاع حمله ور گردید و گاز اشک آور بسوی مردم بی دفاع پرتاب نمود و با چکمه های خویش آنها را مورد ضرب و شتم قرار داد.

آکسل کولر ۶۸ ساله اقتصاد دان که در این تظاهرات شرکت داشت از آنچه که دیده است برای دوستانش گزارشی نوشته است وی می گوید: " من و همسرم و دوست دختر مشترکمان که دست هایمان را بهم زنجیر کرده بودیم با کمال خشونت از یکدیگر جدایمان کردند. بطوری که دیگر برای مدتی آنها را پیدا نکردم. خشونتی بکار گرفته می شد که در تمام زندگیم ندیده بودم. همچنین وی تعریف می کند که پلیس جوانی که می دید چگونه پلیس ها گاز های فلفل بمیان جمعیت پرتاب می کنند، فریاد زد: " اینطوری نمی شود افراد پیر بین جمعیت هستند. پلیس دیگری همسرم کریستینه را نجات داده بود. به این صورت که همسرم را پشت خودش مخفی کرده بود تا گاز شیمیائی که همکارانش بکار می گیرند به او آسیب نزنند و به همکارانش بد و بیراه می گفت که چه می کنید زنان و کودکان و افراد پیر در اینجا هستند سلامتی اینها به خطر می افتد". من خودم را از میان دنیائی دود و گاز نجات دادم روی علف های کنار خیابان دراز کشیدم تا نفسم درآید. در این زمان بود که مثل معجزه همسرم و دوستش هم خودشان را بمن رساندند. آنها هم در اثر گاز شیمیائی قادر به تنفس نبودند و حالشان بد بود. بسیاری زخمی شده بودند و دوستانشان آنها را حمل می کردند و یا پلیس آنها را می کشید روی زمین. جوان و پیر صورتی باد کرده و چشمانی متورم داشتند و با تمام پیکر می لرزیدند. کسی حتی در تصور خود فکر نمی کرد این صحنه ها را تجربه کند. پلیس با باتوم های شوک انگیز همه را بباد کتک گرفته بود و هر کسی را که

می توانست مورد حمله قرار می داد. همه از شدت سرفه نفس هایشان بند آمده بود بسیاری حالشان اصلا خوب نبود. آمبولانسی وجود نداشت که به زخمی ها رسیدگی کند پلیس ها تمام منطقه را محاصره و بلوکه کرده بودند و پرنده را راه به جمعیت نبود. زخمی ها که تعدادشان همواره بیشتر می شد می بایست خودشان خود را نجات دهند و یا دیگر تظاهرکنندگان بداد آنها برسند. از این رو تظاهرکنندگان زخمی ها را به عقب تظاهرات از بین جمعیت حمل می کردند. قدرت آب پاش های پلیس آنقدر زیاد بود که این کار با سختی انجام می شد. تعدادی پزشک در میان تظاهرکنندگان وجود داشت که آنها به سایرین کمک های پزشکی می دادند. در جلوی تظاهرات درگیری بین پلیس ها و جمعیت بالا گرفته بود. پلیس ها همه را با چکمه های وحشتناک خود زیر لگد گرفته بودند. یکی از روباتر های پلیس که در مقابل من قرار داشت وقتی دید من به سایرین کمک می کنم بمن گفت پوزه ات را داغون می کنم اگر سر جایت نیاستی. آنقدر گاز سمی پرتاب می شد که مقابله با آن غیر ممکن بود. گویا می خواستند همه را بیهوش کنند. تظاهرکنندگان می دانستند اگر مقابله به مثل کنند فاجعه ای رخ خواهد داد که جبران ناپذیر است به این خاطر تحمل می کردند. از ساعت ۲ بعد از ظهر روز شنبه تا ساعت ۸ شب وضع به همین صورت ادامه داشت. هیچ چیزی نمی توانست نیروهای ویژه را از کارشان باز دارد. گوئی نمی خواستند به این وضع پایانی دهند تا همه پی کار خود روند و زخمی ها به بیمارستان منتقل شوند. تعداد بسیار زیادی از صف تظاهرکنندگان دستگیر شده و توسط ماشین های پلیس برده شدند. تمامی اتفاقاتی که در حال رخ دادن بودند در واقع تمامی قوانین آلمان را خدجه دار می کرد. هزاران نفر تظاهرکننده تا تاریکی شب این وضعیت را تحمل کردند و در تاریکی باز هم بسیاری دستگیر شدند. اما خوشبختانه تظاهرات (بلوک اوکی) ۳۱ ماه مه در فرانکفورت اتحاد صف خود را حفظ نمود و با تمامی تعقیب و زخمی شدن و دستگیری تا به انتها وظیفه خویش را انجام داده و در مقابل خشونت های پلیس تحمل و مقاومت نمود و بالاخره این روز بعنوان روز سیاهی در تاریخ دولت آلمان ثبت گردید.

دولتی که در سایه برج و باروی بانکها و کنسرن های بزرگ قرار دارد. قدرتمندان و رهبرانی که از آلمان در کشورهایمانند ترکیه و آلمان و ایتالیا و اسپانیا و ایرلند مدتهای طولانی است نشان داده اند که تا چه جاهائی پیش خواهند رفت و چه کارهائی از آنها برمی آید. سود و سرمایه داری به همراه دارائی ثروتمندان بزرگ قادر است آنچنان خشونتی را بکار گیرد که هر قانون اساسی را به

تباهی و سیاهی بکشاند و زیر چکمه های نیروهای ویژه اش پایمال نماید. در این روز هم حق بیان و آزادی تجمع و اعتراض در آلمان زیر چکمه های نیروهای ویژه دولت آلمان نابود شد و این در تاریخ این کشور بعنوان نقطه ای سیاه تا ابد حک خواهد شد.